

دیوید فرامکین

آخرین تابستان اروپا

چه کسی در سال ۱۹۱۴
ماشه را کشید؟

ترجمه سوگند رجبی نسب



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: فرامکین، دیوید، ۱۹۳۲ م - Fromkin, David
 عنوان و نام پدیدآور: آخرین تابستان اروپا (چه کسی در سال ۱۹۱۴ ماشه را کشید؟) / دیوید فرامکین /
 ترجمه سوگند رجبی نسب
 مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۴۴۰ ص
 شابک: ۵-۸۴۷-۲۵۳-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: Europe's last summer : who started the Great War in 1914?, 2004

موضوع: جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴-۱۹۱۸ م. -- علل
 شناسه افزوده: رجبی نسب، سوگند، ۱۳۶۹ - مترجم
 رده‌بندی کنگره: D۵۱۱
 رده‌بندی دیویی: ۹۴۰/۳۱۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۵۱۱۸۵



■ آخرین تابستان اروپا

دیوید فرامکین
 ترجمه سوگند رجبی نسب
 آماده‌سازی و تولید:
 طراحی گرافیک: پرویز بیانی
 چاپ: رامین
 نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۱، ۷۷۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
 هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴،

طبقه سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

@ketabeparseh

فروشگاه: تهران، خیابان ولیعصر، روبروی دوراهی یوسف‌آباد، پلاک ۱۹۴۱

تلفن: ۸۸۹۱۸۹۴

فهرست

پیش در آمد	۱۵
بخش اول: تنش های اروپا	
۱. رویارویی امپراتوری ها	۳۱
۲. تنش در میان آحاد جامعه	۳۳
۳. نزاع ملت ها	۳۷
۴. کشورها مسلح می شوند	۳۹
۵. پیشگویی های زرتشت	۴۵
۶. همسویی دیپلمات ها	۵۹
بخش دوم: گام برداشتن در میدان مین	
۷. مسئله شرق	۶۹
۸. چالش آرشیدوک	۷۱
۹. آلمان در شرف انفجار	۷۳
بخش سوم: به سوی جنگ	
۱۰. مقدونیه افسار گسیخته	۷۷
۱۱. اتریش در ابتدای صف	۸۹

۱۰ ■ آخرین تابستان اروپا

۱۰۳. فرانسه و آلمان مهره‌های خود را حرکت می‌دهند
 ۱۱۳. تهاجم ایتالیا و سپس بالکان
 ۱۱۹. موج اسلاوی
 ۱۲۹. اروپا بر لبه پرتگاه
 ۱۳۵. تلاطم بیشتر در بالکان
 ۱۴۳. مداخله امریکایی

- بخش چهارم: قتل!
 ۱۵۳. والس آخر
 ۱۵۵. در سرزمین آدمکش‌ها
 ۱۶۱. ارتباط روسی
 ۱۷۵. حمله تروریست‌ها
 ۱۷۹. دهان دره اروپا
 ۱۸۵. دفن اجساد
 ۱۹۵. دستگیری مظنونین
 ۱۹۷. بخش پنجم: دروغگوی
 ۲۰۳. چک سفیدامضای آلمان
 ۲۰۵. فریب بزرگ
 ۲۱۷. فرصت برشتولد به سر می‌رسد
 ۲۲۵. راز سربه مهر
 ۲۲۷.

- بخش ششم: بهران!
 ۲۳۱. سرنوشتی وجود ندارد
 ۲۳۳. اعلام ضرب الاجل
 ۲۵۹. صربستان تقریباً می‌پذیرد
 ۲۷۳.

- بخش هفتم: شمارش معکوس
 ۲۷۹. آخرین گام برلین
 ۲۸۱. ۲۶ ژوئیه
 ۲۸۷.

فهرست ■ ۱۱

- ۲۹۵..... ۲۷. ۳۴ ژوئیه
- ۳۰۱..... ۲۸. ۳۵ ژوئیه
- ۳۰۹..... ۲۹. ۳۶ ژوئیه
- ۳۱۷..... ۳۰. ۳۷ ژوئیه
- ۳۲۳..... ۳۱. ۳۸ ژوئیه
- ۳۲۷..... ۳۹. یکم اوت
- ۳۳۵..... ۴۰. دوم اوت
- ۳۴۱..... ۴۱. سوم اوت
- ۳۴۵..... ۴۲. چهارم اوت
- ۳۴۹..... ۴۳. از بین بردن شواهد
- ۳۵۳..... بخش هشتم: معما حل شد
- ۳۵۵..... ۴۴. تجمع در کتابخانه
- ۳۵۷..... ۴۵. چه حوادثی رخ نداد؟
- ۳۷۱..... ۴۶. کلید حادثه
- ۳۷۹..... ۴۷. ماجرا از چه قرار بود؟
- ۳۸۷..... ۴۸. چه کسی می‌توانست از جنگ جلوگیری کند؟
- ۳۹۱..... ۴۹. چه کسی جنگ را آغاز کرد؟
- ۳۹۷..... ۵۰. آیا ممکن است باز هم جنگی رخ دهد؟
- ۴۰۱..... ۵۱. جمع‌بندی
- ۴۰۳..... سخن پایانی
- ۴۰۵..... ۵۲. جنگ اتریش
- ۴۰۹..... ۵۳. جنگ آلمان
- ۴۱۳..... پیوست یک: یادداشت اتریش
- ۴۲۱..... پیوست دو: پاسخ صربستان
- ۴۲۷..... اسامی اشخاص
- ۴۳۱..... کتابشناسی

پیش درآمد

ناگهان

کمی پس از ساعت یازده شب یکشنبه ۲۹ دسامبر ۱۹۷۷، پرواز شماره ۸۲۶ هواپیمایی ایالات متحد که بوئینگ ۷۴۷ با ۲۷۴ مسافر و ۱۹ خدمه بود، دو ساعت از مسیر خود از توکیو^۱ به هونولولو^۲ را بر فراز اقیانوس آرام پیموده بود. هواپیما به ارتفاع مورد نظر یعنی بین ۳۱ تا ۳۳ هزار پا رسیده بود. سرو غذا هم رو به پایان بود و همه چیز در حالت عادی خود قرار داشت.

در یک لحظه همه چیز تغییر کرد. هواپیما بدون هیچ هشداري توسط نیروی نامرئی متوقف شده بود. ناگهان هواپیما به سمت بالا کشیده شد و سپس سقوط کرد. مسافران فریاد زنان به سقف و چرخ دستی های غذا برخورد می کردند. یک زن ۳۲ ساله ژاپنی کشته و ۱۰۲ نفر زخمی شدند. کاپیتان و خدمه کابین با به دست گرفتن کنترل هواپیما، پرواز ۸۲۶ را به فرودگاه ژاپن برگرداندند؛ جایی که ساعت ها پیش از آن دور شده بودند.

چیزی که واقعه را هولناک تر می کرد، ماهیت اسرار آمیز آن بود. تا

لحظه واقعه، پرواز مشکلی نداشت و کسی فکرش را نمی کرد که مشکلی پیش بیاید. از هیچ هشداری نیز خبری نبود و حتی صاعقه‌ای در آسمان به چشم نمی خورد. هر چه بود، کسی انتظارش را نداشت. مسافران نمی دانستند با چه چیزی برخورد کرده‌اند و شرکت‌های هواپیمایی هم نمی توانستند به مردم اطمینان بدهند که چنین حادثه‌ای دیگر تکرار نمی شود.

کارشناسان رسانه‌های جمعی معتقد بودند پرواز شماره ۸۲۶ قربانی «چاله‌های هوایی» شده. آن‌ها حادثه را به گردبادی افقی تشبیه کردند که قابل رؤیت نبود. برخی از این کارشناسان ابراز امیدواری کردند که در چند سال آتی دستگاه‌هایی اختراع شوند که بتوانند این طوفان‌های نامرئی را شناسایی کنند. مردم از آن حادثه آموختند که شرایط آب و هوایی پایدار بی معناست و آسمان اقیانوس آرام نیز می تواند مانند خود اقیانوس طغیان کند.

به گفته برخی، در سال ۱۹۱۷ و هنگام گذر از قرن نوزدهم به قرن بیستم، چیزی شبیه همین حادثه بر سر ملت اروپا آمد. دهه‌های ۱۸۹۰ و ۱۹۰۰ نیز بی شباهت به عصر کنونی نبودند. آن دوره پر بود از کنگره‌های بین‌المللی، همایش‌های خلع سلاح، جهانی شدن اقتصاد دنیا و طرح‌هایی برای ایجاد نوعی اتحاد میان ملت‌ها برای ممنوعیت جنگ. همگان مطمئن بودند که دوره‌ای طولانی از صلح و کامیابی در پیش است.

اما ناگهان اروپا از کنترل خارج و وارد دهه‌هایی سرشار از ظلم، جنگ جهانی و کشتار جمعی شد. چه طوفانی اروپای قدیم و دنیایی را که بر آن نظارت می کرد از بین برد؟ با نگاه به گذشته، دیگر همه چیز چندان اسرارآمیز نیست. سال‌های ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ سرشار از مشکل و خطر بودند. در اوایل قرن بیستم، علائمی هشداردهنده به چشم می خوردند که خبر از فاجعه پیش رو

می‌دادند؛ اکنون ما می‌توانیم آن نشانه‌ها را به وضوح ببینیم و در آن زمان هم ارتش و رهبران سیاسی قادر به تشخیص آن‌ها بودند.

آسمانی که اروپا در آن سقوط کرد تهی نبود، برعکس سرشار از قدرت حوادث بود. عواملی که اروپا را نابود کردند - ناسیونالیسم، سوسیالیسم، امپریالیسم و موارد مشابه - مدت‌ها در حال جریان بودند. جهان اروپا از پیش در معرض بادهای سهمگین قرار داشت. کاپیتان و خدمه هم از ماجرا خبر داشتند، اما مسافران که غافلگیر شده بودند، مدام می‌پرسیدند: چرا هیچ هشداري دریافت نکردیم؟

اهمیت مسئله در تابستان ۱۹۱۴، جنگی در اروپا در گرفت که به آفریقا، خاورمیانه، آسیا، حوزه اقیانوس آرام و امریکا هم رسید. اکنون به صورت نه‌چندان درست، آن را جنگ جهانی اول می‌نامند که در نهایت تبدیل شد به بزرگ‌ترین نزاعی که جهان به خود دیده بود. نامی که آن زمان بر آن گذاشتند بمبار برانزده است: «جنگ بزرگ».

کشورهای دنیا برای ورود به این نبرد، به یکی از دو ائتلاف پیوستند؛ یکی توسط بریتانیای کبیر^۱، فرانسه و روسیه اداره می‌شد و نامش اتحاد مثلث^۲ بود. دیگری توسط آلمان و امپراتوری اتریش - مجارستان اداره می‌شد و نامش اتحاد سه‌گانه^۳ بود. این دو ائتلاف، ۶۵ میلیون نیرو به میدان جنگ

۱. در آغاز سال ۱۸۰۱، نام رسمی بریتانیای کبیر، «پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند» بود که به اختصار پادشاهی متحد خوانده می‌شد. (نویسنده)

۲. Triple Entente؛ در طول جنگ جهانی به آن‌ها متفقین می‌گفتند. (نویسنده)

۳. Triple Alliance؛ ایتالیا نیز در دوران صلح عضو این اتحاد بود که در آن زمان به آن «اتحاد مرکز» می‌گفتند. (نویسنده)

۱۸ ■ آخرین تابستان اروپا

بردند. در آلمان و فرانسه، ملت‌هایی که شرف‌شان را در پیروزی می‌دیدند، ۸۰ درصد مردان ۱۵ تا ۴۹ سال به ارتش فراخوانده شدند و در جبهه‌ها جان خود را از دست دادند.

بیش از ۲۰ میلیون سرباز و غیرنظامی در جنگ بزرگ جانشان را از دست دادند و ۲۱ میلیون مجروح شدند. میلیون‌ها نفر دیگر نیز در گیربلاهای جنگ شدند؛ بیش از ۲۰ میلیون نفر در همه‌گیری آنفلوآنزا در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹ از بیماری جان باختند.

اشخاص برجسته به بیان کل ماجرا نمی‌پردازند یا نمی‌توانند تمام اثرات جنگ بر جهان در سال ۱۹۱۴ را بیان کنند. عواقب تغییرات ناشی از بحران اروپا آن قدر بی‌شمار و عمیق‌اند که موجب شدند آن واقعه تبدیل به نقطه عطف تاریخ مدرن شود. حتی اگر به گفته برخی، جنگ تنها موجب تعدادی از تغییرات آن دوره شده باشد، باز هم این نکته صحت دارد.

در هشتم اوت سال ۱۹۱۴ و تنها چهار روز پس از ورود بریتانیای کبیر به جنگ، روزنامه اکونومیست^۱ چاپ لندن جنگ جهانی را «بزرگ‌ترین تراژدی تاریخ بشر» توصیف کرد. شاید این گفته هنوز هم صحت داشته باشد. جرج کنان^۲، دیپلمات و مورخ برجسته آمریکایی، در سال ۱۹۷۹ نوشت: «از نظر من بسیاری از اندیشمندان جنگ جهانی اول را بزرگ‌ترین فاجعه تأثیرگذار قرن می‌دانند.»

فريتز استرن^۳، یکی از مهم‌ترین محققان امور آلمان، می‌نویسد: «جنگ بزرگ اولین فاجعه قرن بیستم است که تمام فجایع بعدی، از آن نشئت می‌گیرند.» زلزله‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجب تغییر نقشه جهان شدند. امپراتوری‌ها و سلسله‌ها از بین رفتند و کشورهای تازه جای آن‌ها را

گرفتند. تجزیه ساختار سیاسی دنیا در طول قرن بیستم ادامه یافت. امروزه تعداد کشورهای مستقل جهان چهار برابر سال ۱۹۱۴، زمانی است اروپا درگیر جنگ شد. بسیاری از این کشورهای نو - قطر، عراق، و عربستان سعودی - در گذشته وجود خارجی نداشتند.

جنگ بزرگ موجب ایجاد قدرت‌هایی شد که بر کل قرن سایه انداختند. دولت آلمان برای خروج روسیه از جنگ به کمونیست‌های بلشویک کمک مالی کرد و به گفته وینستون چرچیل^۱ «درست مانند ریختن شیشه‌ای کوچک از بیماری وبا یا حصه در منبع آب آشامیدنی شهری بزرگ»، لنین^۲ را به روسیه معرفی کرد. بلشویسم تنها یکی از عواقب جنگ بود که پس از آن فاشیسم و نازیسم را در پی داشت.

اما جنگ دو جنبش آزادی‌خواهی را نیز در قرن بیستم ایجاد کرد. هنگامی که اروپا تجزیه می‌شد، سلطه آن بر سایر بخش‌های دنیا از بین رفت و در طول قرن میلاردها نفر استقلال خود را باز یافتند. در بخش‌هایی از جهان، زنان نیز به واسطه حضور در فعالیت‌های جنگی - کار در کارخانه‌ها و ارتش - از شر قیود گذشته خلاص شدند.

نوعی دیگر از آزادی هم که ابعادی مختلف داشت، از جنگ بزرگ نشئت گرفت و از آن زمان به بعد در رفتار، زندگی جنسی، مد، زبان و هنر راه یافت. همه قبول ندارند که از بین رفتن قوانین و محدودیت‌ها نکته مثبتی است، اما چه خوب و چه بد، دنیا از عصر ویکتوریا تا قرن بیستم مسیری طولانی را پیموده که توسط رزمندگان سال ۱۹۱۴ به ثمر نهشته است.

ما در جستجوی ریشه‌های مسائل مهمی که دنیا در قرن بیستم یا امروز با آن‌ها مواجه بوده، مدام به جنگ بزرگ مراجعه می‌کنیم. به گفته

جرج کنان، «به نظر می‌رسد پاسخ هر پرسشی به آن واقعه ختم می‌شود». پس از آن انتخاب‌ها محدود می‌شوند. برای مثال ایالات متحد و حتی بریتانیای کبیر می‌توانستند انتخاب کنند که وارد جنگ بشوند یا نه. و از آن زمان به بعد همواره این پرسش مطرح بوده که آیا کار عاقلانه‌ای انجام دادند. اما در واقع آن دو کشور در این مورد حق انتخاب چندانی نداشتند.

در مورد تبدیل کشمکش آغازین به نبرد نهایی، امکان هیچ‌گونه اقدام بدیهی‌ای، وجود نداشت. آن تنش می‌توانست در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۳۹ از میان برداشته شود، اما کسی دست به کار نشد. بنابراین با اینکه لزومی نبود، جنگ جهانی اول به جنگ جهانی دوم و جنگ جهانی دوم نیز به جنگ سرد انجامید. مورخان استیون ای. میلر^۱ و شان ام. لین جونز^۲ در سال ۱۹۹۱ نوشتند: «بیشتر ناظران عینی عصر کنونی سیاست‌های بین‌المللی را دوران پس از جنگ سرد می‌نامند، اما از بسیاری از جهات، عصر ما دوران پس از جنگ جهانی است.»

از ابتدا به نظر می‌رسید انفجار سال ۱۹۱۴ و زنجیره‌ای از واکنش‌ها را به دنبال داشته باشد و عواقب جدی آن خیلی زود خود را نشان دادند؛ توماس مان^۳ در آغاز رمان کوه جادو^۴ (۱۹۲۴) نوشته: «جنگ بزرگ در آغاز با مسائل زیادی همراه بود که بسیاری از آن‌ها هنوز هم ادامه دارند.»

آن مسائل هنوز هم ناپدید نشده‌اند. در ۲۱ آوریل ۲۰۰۱، نیویورک تایمز^۵ گزارش داد در فرانسه هزاران نفر که به علت کشف مهمات جنگ جهانی اول مجبور به تخلیه منازل‌شان شده بودند، حالا امکان بازگشت به خانه‌هایشان را پیدا کرده‌اند. آن مهمات شامل خمپاره و گاز خردل می‌شد.

1. Steven E. Miller

2. Sean M. Lynn-Jones

3. Thomas Mann

4. *The Magic Mountain*5. *New York Times*